

حجم معاملات معمولاً نشانگر خوبی برای سنجش قدرت بازار است. بنابر منطق عرضه و تقاضا هر چه تقاضا بیشتر از عرضه باشد ارزش آن کالا بیشتر می‌شود و بر عکس هر جا عرضه بر تقاضا پیشی بگیرد ارزش کالا کاهش پیدا می‌کند.

حجم معاملات به معنای تعداد سهامیست که در یک واحد معامله خرید و فروش می‌شود. برای مثال شما ۱۰۰۰ برگ سهم مخابرات را در قیمت ۲۵۰ تومن خریده‌اید. حجم واقعی معامله شما ۱۰۰۰ برگ سهم است. وقتی مجموع معاملات روزانه را حساب کنیم حجم واقعی روزانه آن سهم بدست می‌آید. مثلاً در روز چهارشنبه بیش از سه میلیون برگ سهم در معاملات اخبر مبادله شده است.

علاوه بر حجم واقعی معاملات یک نوع دیگر از حجم هم وجود دارد که در واقع تعداد معاملات در آن روز است (Tick Volume). مثلاً شما ۱۰۰۰ سهم از مخابرات را خریده‌اید ولی این تعداد سهم را در دو نوبت معامله کرده‌اید. برای مثال ابتدای صبح ۷۰۰ سهم و سپس ۳۰۰ سهم خریده‌اید. در معاملات روز چهارشنبه طی ۲۲۰ معامله تعداد ۳ میلیون سهم رد و بدل شده است.

پس دو نوع حجم معاملات داریم که یکی حجم واقعیست و دیگری تعداد معاملات که در اندیکاتورها از هر دو استفاده می‌شود. بحث ما در این جلسه عمدتاً بر حجم واقعی متمرکز است و هر جا منظور از حجم تعداد معاملات بود اشاره می‌کنیم.

همیشه افزایش حجم معاملات یک سیگنال جدی و یا تایید خوبی برای سایر سیگنال‌های ما است. گاهی این سیگنال مثبت‌تر و گاهی افزایش حجم معنای خوبی ندارد.

- در دو محدوده حمایت و مقاومت انتظار داریم حجم معاملات بطور چشمگیری افزایش پیدا کند.
- در روندهای صعودی انتظار داریم حجم معاملات بالا باشد.
- معمولاً در روندهای نزولی اصلاحی حجم کاهش پیدا می‌کند. اما در روندهای نزولی ادامه دار حجم معاملات بالا خواهد بود.

قبل از هر بحثی باید تاکید شود که حجم معاملات بالای یک سهم در هر شرایطی یک مزیت محسوب می‌شود. صرف نظر از تاثیر حجم بالا در روند صعودی یا نزولی بالا بودن حجم معاملات در یک سهم نشانه قدرت نقدشوندگی آن سهم است. برای مثال سهمی مانند بانک پاسارگاد بندرت در صف فروش قفل می‌شود. یا سهمی مانند فولاد در روند صعودی و یا نزولی همواره قابل خرید یا فروش است.

اگر از این منظر به سهام نگاه کنیم سه دسته سهم وجود دارد: دسته اول سهامی هستند که در هر شرایطی قابل معامله هستند. دسته دوم سهامی هستند که نقدشوندگی متوسطی دارند و می توان با کمی صبر در هر شرایطی فروخت. دسته سوم سهام با نقد شوندهایی پایین هستند که این نوع سهام دارای حجم معاملات پایین و گاهی حتی در صف های فروش هم خریدار ندارند.

همواره بر مبنای مقدار سرمایه ای که وارد بازار می کنیم باید به نقدشوندگی سهمی که می خریم توجه کنیم. اگر حجم معاملات روزانه سهمی ۳۰۰ هزار است باید توجه کنیم که استراتژی خرید ما باید کاملا تابعی از این نقدشوندگی باشد. مثلا اگر پول نامطمئن در اختیار داریم که هر آن ممکن است به آن نیاز داشته باشیم در چنین سهمی هوس خرید یک میلیون سهم نمی کنیم .

تفسیر حجم معاملات در حمایت/مقاومت

در بحث های قبلی دیدیم که در چارت نقاطی داریم که انتظار می ره در آن نقاط سهم از سوی خریدار حمایت شود و نقاطی وجود داره که انتظار می ره فروشنده ها در آن نقاط در برابر خریداران مقاومت کنند. یکی از معیارهایی که باید حتما برای تایید حمایت ها و مقاومت ها بکار بگیریم حجم معاملات است .

در نقطه حمایتی خریداران بیشتری وارد معامله می شوند و به همین دلیل انتظار می ره که حجم معاملات افزایش پیدا کنه. در این نقاط فروشنده طبق معمول برای فروش میاد و با خاطره روزهای کم تقاضای قبلی وقتی خریدار رو می بینه گمان می کنه امروز فرصت مناسبی برای رهایی از شر سهمی که هر روز داره نزول می کنه پیدا کرده. با خودش می گه یک ابلهپی پیدا شده داره می خره بزار سهمو بندازم و فرار کنم! طبق قانون سرایت (یعنی همان مزاج گوسفندی) افراد دیگری هم مشتاق به عرضه می شوند. اما خریداران با این تحلیل که این نقطه برای خرید سهم ارزنده است دست به خرید می زنند. همین باعث افزایش حجم معاملات می شود.

در نقاط مقاومتی انتظار داریم فروشنده ها بیشتر باشند به همین دلیل در این نقاط هم انتظار افزایش حجم معاملات را داریم. داستان این نقطه هم با کمی تغییر مانند بالاست. همیشه کسانی هستند که یا طمع می کنند و یا می ترسند . همین ها باعث افزایش حجم معاملات در نقاط مقاومتی هستند. وقتی به مقاومت می رسیم عده ای گمان می کنند شیره روند را کشیده اند و دنبال کسی هستند که سهم را به عنوان سرب داغ تحویل بدهند و احتمالا وقتی سرب داغ دست خریدار را سوزاند و روند نزولی شد در قیمت های پایین تر این سهم را دوباره بخرند. در طرف مقابل عده ای هستند که عشق صف دارند. در هر صفی حاضری می زنند و توجه نمی کنند سهمی که مثلا ۵ روز یک کله بالا رفته ممکن است متوقف شود. صف ها سنگین می شود. بعد عرضه می کنند باز هم خریداران جدیدتر وارد می شوند . اینکه در نهایت چه می شود بستگی به سهم و روند دارد. اما این نوع دیدگاه ها باعث افزایش حجم معاملات می شود .

در نقاط حمایتی و مقاومتی بر مبنای تحلیل جامع تری که داریم این افزایش حجم را به عنوان تاییدی بر تحلیل مان



بکار می بریم و از قوانین شکست یا شبه شکست برای ادامه معاملات پیروی می کنیم.

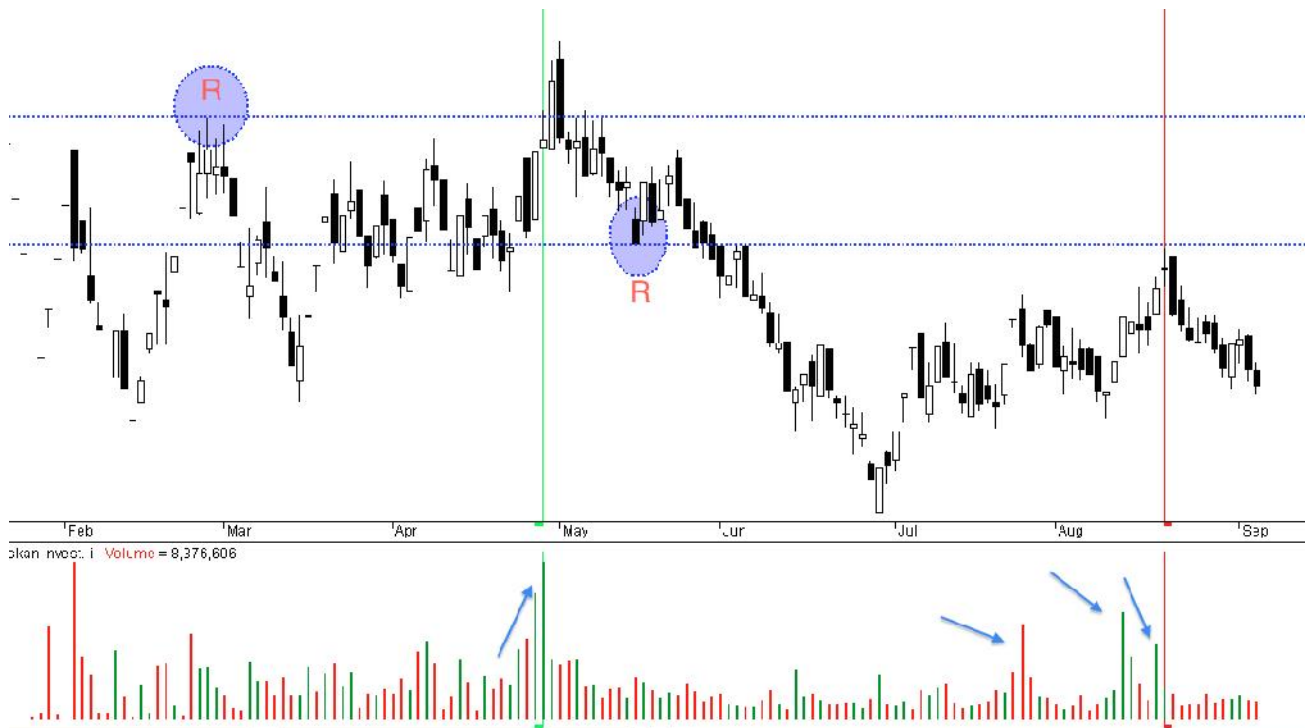
نکته:

افزایش حجم معاملات پیش از رسیدن به نقطه حمایتی یک سیگنال خوب برای احتمال توقف روند نزولی است. برای مثال وقتی ۲۲۰ تومان نقطه حمایتی سهم است اگر در محدود ۲۳۰ تا ۲۲۵ حجم معاملات افزایش پیدا کرد این نشان می دهد که حمایت ۲۲۰ تومانی بخوبی در حال فعال شدن است و افراد بیشتری با انگیزه های قوی تر درصدد ورود به سهم هستند .

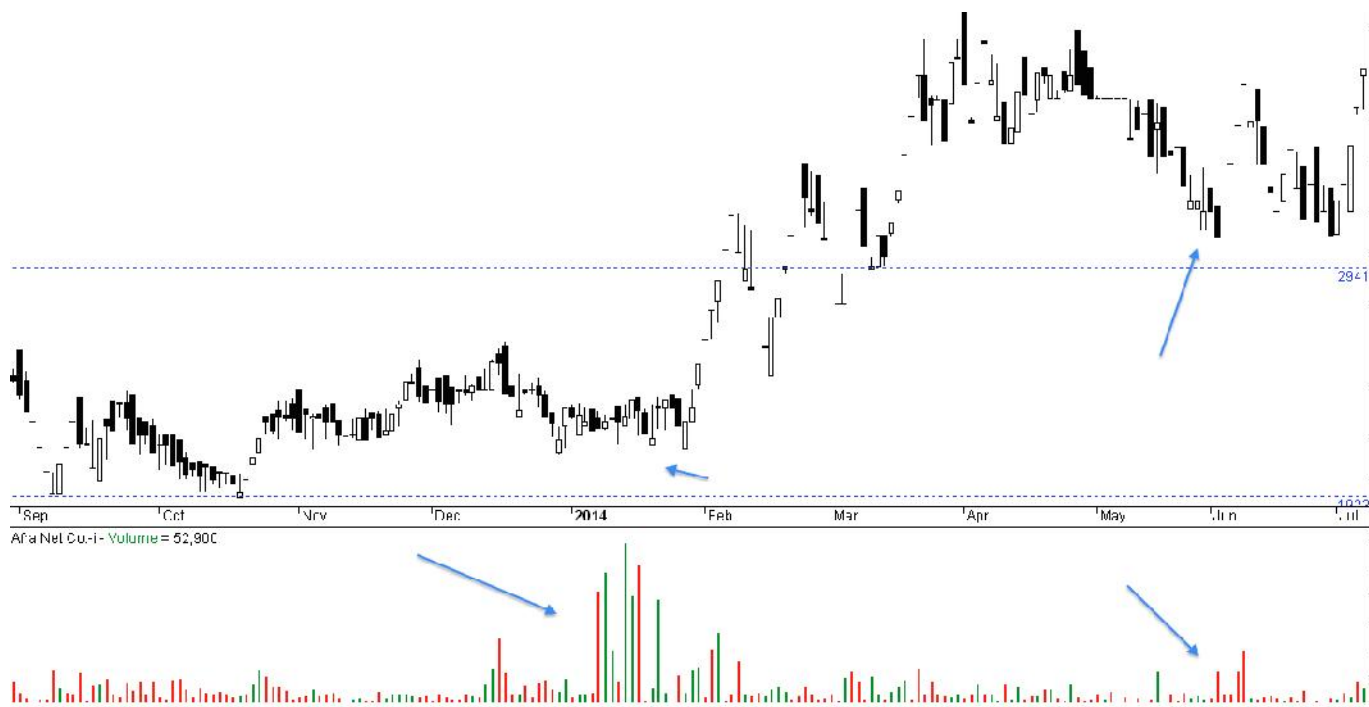
در طرف دیگر وقتی قبل از رسیدن به نقطه مقاومتی سهم حجم معاملات افزایش پیدا می کند باید مقاومت مذکور را خیلی جدی گرفت. چراکه فروشندگان همان اشتیاق فروشی دارند که حتی از ترس افزایش عرضه ها در نقطه مذکور دست پیش می گیرند و قبل از رسیدن سهم به آن نقطه شروع به عرضه می کنند .

یک نکته کلیدی در حجم وجود دارد: وقتی سهمی صرفا بخاطر جو بازار افت یا رشد می کند (یعنی علیرغم ارزندگی افت می کند یا علیرغم حبابی بودن رشد می کند) انتظار داریم حجم پیش از رسیدن به حمایت/مقاومت افزایش پیدا کند .

افزایش حجم پیش از رسیدن به مقاومت



افزایش حجم پیش از رسیدن به حمایت



وقتی از افزایش حجم و حجم چشمگیر حرف می زنیم منظور تغییر معنادار حجم به نسبت روزهای گذشته بعلاوه به نسبت تعداد سهام آن شرکت خاص است. مثلا یک شرکتی که کلا ۱۰۰ میلیون سهم دارد و ۱۰ درصد در اختیار بازار است (۱۰ میل (ممکن است حجم ۳۰۰ هزار سهمی چشمگیر باشد. اما در شرکتی که ۳ میلیارد سهم دارد حجم ۱ میلیونی ممکن است خیلی چشمگیر نباشد. یک معیار خوب برای افزایش حجم در نظر گرفتن میزان حجم مبناست. اگر بعد از معاملات کم حجم ناگهان حجم معاملات تا حدود حجم مبنا و بیشتر بالا رفت اینجا می تونیم تفاوت حجم رو معنادار بدونیم .

نکته بعدی گاهی حجم طی روزهای متعدد افزایش پیدا می کنه. مثلا در سهمی روزانه ۲۰۰ هزار سهم معامله می شه ولی طی روزهای بعدی حجم معاملات بطور متناوب یا متوالی به ۹۰۰ هزار سهم می رسه. اینجا باز هم حجم می تونه مورد توجه باشه .

حجم در روندها

در روند صعودی حجم معاملات معمولا بالاست. علت ساده این حجم بالا این است که در روندهای صعودی افراد بیشتری در سود هستند و همواره کسانی هستند که بدون تحلیل وارد روند می شوند و کمی سود می کنند و خروج



می کنند. و همواره افرادی هستند که نگران از دست دادن سود حداقلی هستند. این افراد می خردند کمی بالاتر می فروشند. چون روند صعودی است خریدار همواره در این روند حضور دارد. این دست به دست شدن سهم باعث می شود روند همواره نفس تازه ای داشته باشد. روند صعودی با حجم بالا نشانه سلامت روند است. روند صعودی با حجم پایین می تواند نگران کننده باشد.

تذکر: گاهی تقاضا برای خرید وجود دارد ولی عرضه نداریم. در این مواقع باید توجه کرد که بازار بورس ایران به دلیل شرایط خاص خود گاهی نیازمند عدول از اصول تکنیکی است. برای مثال سهم شراز یکی دو ماه بعد از عرضه اولیه به دلیل ابهامات متوقف شد. وقتی این سهم باز شد به دلیل اینکه در قیمت کاملا پایینی باز شده بود چندین روز صرفا با حجم معاملات ۱۰۰ برگ سهمی بالا می رفت و چون فرابورسی بود هر روز ۵ درصد بالاتر از روز قبل بود. اینجا حجم پایین به معنای نقص روند نیست. بنابراین گاهی لازم است حجم معاملات را با حجم تقاضای خرید یا عرضه ترکیب کنیم.

در نزول ها بکارگیری معیار حجم کمی دشوار است. معمولا در ابتدای نزول و انتهای نزول حجم معاملات بالاست ولی وقتی سهمی درگیر نزول فرسایشی می شود از چشم بازار دور می ماند و افراد کمتری مایل به سرمایه گذاری هستند. به همین دلیل به خاطر نبود خریدار حجم معاملات نیز پایین است. البته یک ویژگی روانشناختی هم وجود دارد که گاهی مانع از افزایش عرضه در روندهای نزولی می شود: امروز بر می گرده یا نهایت فردا. گاهی چنین رویایی باعث می شود فروشندگانه نتواند تصمیم درستی بگیرد و به همین دلیل عرضه ممکن است کاهش داشته باشد (کاهش در مقایسه با میزان تقاضای محرک در روند صعودی).

نکته مهم حجم در روندهای نزولی اینست که اگر حجم معاملات بطور پیوسته در روند نزولی بالا باشد ما در یک اصلاح طولانی و/یا احتمالا عمیق قرار داریم.





بر مبنای گایدلاین های (اصول راهنما) موجشماری الیوتی در موج سوم معمولاً حجم معاملات بیش از هر موج دیگر است.

در الگوهای های تکنیکی هم حجم معاملات دارای اهمیت ویژه است که دوستان دیگر در بحث الگوها حتما اشاره خواهند داشت.

تعداد خریدار و فروشنده

گاهی اوقات تعداد خریدار و فروشنده هم می تونه برای تحلیل سهم مورد توجه قرار بگیره. وقتی حجم معاملات پایین است و تعداد خریدار بیشتر از فروشنده است این می تونه نشانه آن باشه که این سهم مورد توجه است و قدرت خریداران بطور بالقوه قابل افزایش است.

وقتی حجم معاملات بالاست و تعداد فروشنده کمتر است این نشانه آن است که قدرت فروشنده بیشتر است. زیرا کسانی در حال فروش هستند که سرمایه گذاری سنگین تری روی این سهم داشته اند و خریداران اغلب با سرمایه کم در حال ورود به سهم هستند. (پیش فرض ما این است که سرمایه گذار سنگین دارای تحلیل یا اطلاعات بیشتری درباره این سهم است و یا این نوع سرمایه گذاران در حال کنترل سهم هستند.)
در روزهای پر حجم وقتی تعداد خریدار کمتر از فروشنده است این به معنای ورود آگاهانه (تحلیل - اطلاعات یا رانت) افرادی با سرمایه سنگین است .



البته گاهی بازارگردان یا حقوقی های سهم برای حفظ نقدشوندگی یا روند سهم دست به خرید یا فروش می زنند که تعداد خریدار و فروشنده را کم یا زیاد نشان می دهد. اینجا باید مراقب بود تفاوت بازارگردانی و افزایش قدرت خریدار/فروشنده را اشتباه نگیریم. مثلا حقوقی ممکن از برای حفظ روند صعودی سهم به تنهایی حجم مبنا را عرضه کند و یا برای آنکه روند نزولی تکمیل شود و سهم قفل نشود از صف فروش به اندازه حجم مبنا بردارد. اینها به معنای عدم تعادل خریدار و فروشنده نیست.

MFI

چندین اندیکاتور برای بررسی حجم معاملات وجود دارد که اینجا مهمترین آنها را معرفی می کنم. قبلا درباره اندیکاتور RSI خواندیم MFI در عمل همان RSI است و با همان مکانیزم عمل می کند با این تفاوت که در اینجا حجم معاملات با قیمت ترکیب می شود MFI. به معنای شاخص جریان پولی است و ادعا دارد جریان و جهت ورودی یا خروجی پول در سهم را بازنمایی می کند (ادعای درستی نیست.!).

نحوه محاسبه جریان پولی بدینگونه است که :

ابتدا قیمت تیپیکال بدست می آید. قیمت تیپیکال به معنی حاصل جمع (بالاترین + کمترین + آخرین قیمت) تقسیم بر ۳ است. البته گاهی بجای این می توان قیمت آخر را مبنا قرار داد و حتی می توان انواع دیگری از محاسبات را داشت. فقط توجه کنید اگر قیمت پایانی بورس ایران را وارد کنید حجم را دو بار وارد تحلیل کرده اید. در مرحله بعد این قیمت تیپیکال را در حجم ضرب می کنیم. این می شود جریان پولی خام. سپس مانند RSI نرخ جریان پولی برای ۱۴ روز را بدست می آوریم. یعنی در ۱۴ روز گذشته کندل های صعودی را از کندل های نزولی جدا می کنیم و روزهای مثبت را با هم جمع می کنیم (قیمت تیپیکال ضرب در حجم) و روزهای منفی (قیمت تیپیکال ضرب در حجم) را با هم جمع می کنیم. بدینصورت: صد منهای (۱۰۰ تقسیم بر ۱ بعلاوه جریان پولی خام).

فرمول به این صورت است:

$$* 1. \text{Typical Price} = (\text{High} + \text{Low} + \text{Close})/3$$

$$* 2. \text{Raw Money Flow} = \text{Typical Price} \times \text{Volume}$$

$$* 3. \text{Money Flow Ratio} = (14\text{-period Positive Money Flow}) / (14\text{-period Negative Money Flow})$$

$$* 4. \text{Money Flow Index} = 100 - 100 / (1 + \text{Money Flow Ratio})$$

کمی پیچیده شد ولی اگر این محاسبات را نگرفتید خیلی مهم نیست!

در MFI دو حد ۸۰ در بالا و ۲۰ در پایین داریم. معمولا عبور از ۸۰ به معنای ورود بیش از اندازه پول و اشباع خرید



است و نزول به زیر ۲۰ به معنای اشباع فروش. بدین معنا که در خریدهایمان توجه می کنیم اگر MFI بالای ۸۰ بود با احتیاط بیشتری خرید می کنیم و اگر زیر ۲۰ بود احتمال ارزندگی خرید را می دهیم (هرگز صرفاً بر مبنای MFI یا هیچ اندیکاتور دیگری خرید یا فروش نمی کنیم)

در بحث RSI با واگرایی ها آشنا شدیم. همان قواعد درباره MFI هم قابل استفاده است .
بعلاوه همانند چارت قیمت بر روی MFI هم می توان خط حمایتی و مقاومتی کشید .

واکنش ها به خط روند در MFI جالب است



معادله ی قیمت MFI - RSI - و حجم

اگر قیمت افت کند ولی حجم معاملات کاهش داشته باشد و در همان دوره ۱۴ روزه در روزهایی که قیمت رشد می کند حجم معاملات افزایش داشته باشد (یا برعکس) (این دو اندیکاتور هر کدام به جهت دیگری حرکت می کنند. مثلاً در همان چارت بالا شاخص MFI را دیدیم. اما چارت قیمت - شاخص MFI - RSI و حجم بدینگونه است:



در مورد این موضوع بحث مفصلی نمی کنیم فقط به این اکتفا می کنیم که هرگاه هر دو اندیکاتور ما همگرا بودند آن روند ادامه دار خواهد بود.

توجه داشته باشید که در هر جایی که اندیکاتور بکار می بریم همواره چارت قیمت بر اندیکاتورها ارجحیت دارد. اگر در تصویر بالا دقت کنید گاهی قیمت در حال نزول بوده ولی اندیکاتورها رو به بالا بوده اند. بنابراین قیمت همیشه اولی است. وقتی چنین وضعیتی وجود دارد در نقطه های مهم (در برگشت ها) واگرایی ها شکل می گیرد. یعنی در این وضعیت چنین نتیجه گیری می کنیم که روند ما طی ۱۴ روز گذشته دچار تغییراتی شده که اندیکاتورها با قیمت همراهی نمی کنند (که اگر مفهوم واگرایی ها را به خوبی درک کرده باشید عبارت فوق کاملا ساده به نظر خواهد آمد).

درباره MFI به این نکته توجه کنید که سرعت نوسان این اندیکاتور خیلی بالاتر از RSI است به همین دلیل زودتر به منطقه اشباع می رسد. بنابراین وقتی در منطقه اشباع بود بهتر است برای تایید حتما به RSI هم نگاه کنیم و اگر این اندیکاتور هم در منطقه اشباع بود احتمال رسیده به نقطه آخر را بدهیم. بعلاوه به دلیل برخی ویژگی ها بورس ایران (مثلا معاملات بلوکی) گاهی همراه کننده است

نکته بعدی اینکه گاهی بجای حجم واقعی مجبوریم از تعداد معاملات برای این اندیکاتور استفاده کنیم. مخصوصا اگر در بازارهای جهانی معامله می کنید ناگزیر از چنین جابجایی هستید چرا که معمولا حجم واقعی در دسترس نیست.

جمع‌بندی

حجم معاملات به عنوان یک پارامتر کنترل کننده در تحلیل بکار می رود. وقتی بر اساس تحلیل عوامل مختلف به این نتیجه می‌رسیم که نقطه مورد نظر برای ورود یا خروج مناسب است در آن نقطه به یکی از عوامل اصلی که توجه می‌کنیم رفتار بازار از منظر حجم معاملات است. علاوه در بررسی عمومی بازار به حجم معاملات توجه می‌کنیم. گاهی افزایش حجم معاملات می‌تواند ما را برای تحلیل دقیق تر یک سهم هدایت کند چرا که افزایش حجم خبر از اتفاقات مهم بعدی می‌دهد. خیلی از اوقات حجم پیش از قیمت تغییر می‌کند. به همین دلیل در بررسی های پیشینی وقتی می‌بینید حجم یک سهم بطور چشمگیری بالا رفته است آن سهم را دقیق تر واکاوی کنید تا شاید سیگنال خوبی برای ورود بدست بیاورید. علاوه بر همه اینها حجم معاملات بالا نشانه آن است که سهم مورد توجه بازار است. روند صعودی با حجم بالا همواره بر روند صعودی با حجم پایین ارجح است.

--

دوستان عزیز درباره حجم معاملات بحث های زیادی وجود دارد که می‌توانید جستجو و مطالعه کنید. اینجا سعی کردم از نگاه خودم (هامون) به حجم معاملات پردازم و عمدتاً نکات خاص را یادآوری کنم. اگر قصد بقا در این بازار دارید برای خرید هر سهمی حتماً به گذشته چارت آن سهم نگاه کنید و معمای حجم در آن سهم را کشف کنید. خیلی از اوقات بازارگردانان با قیمت کاری ندارند و ورودی - خروجی پول را مبنای بازارگردانی قرار می‌دهند. اگر چنین معماهایی را کشف کنید بخوبی می‌توانید بازی های بزرگ را بخوانید.

جلسه بعدی طی یک یا دو پست درباره شکست و ریورس بحث خواهیم کرد. امیدوارم بتوانم مطالب را تا اواسط هفته آینده آماده کنم.

